

نقش وفود و هیئت‌های اعزامی عصر رسول الله ﷺ در نشر سنت و حدیث نبوی

لیلا السادات مروّجی *

چکیده

سخنان، افعال و تقریر و امضاهاى نبی گرامی ﷺ که در مجموع سنت نامیده می‌شود و کلام حاکی از آن را حدیث می‌خوانند، تحت تأثیر عوامل مختلفی در جامعه صدر اسلام ترویج و نشر یافته و به دوران‌های بعد انتقال پیدا کرده است. در کنار تأکیدات و آموزش‌های خود رسول الله ﷺ عامل دیگر نشر و گسترش سیره و حدیث نبوی در شبه جزیره عرب و حتی فراسوی مرزهای آن، ورود گروه‌هایی از تازه مسلمانان یا جویندگان حقیقت به محضر رسول اکرم ﷺ بود که به «وفود» نامبردار گشته‌اند. در جریان دو شیوه ارتباطی متقابل قبایل و رسول خدا ﷺ، یعنی ورود وفود به محضر پیامبر ﷺ و اعزام نماینده از جانب پیامبر ﷺ وفود به اعلام پذیرش رسالت حضرت محمد ﷺ، درخواست همراهی نماینده پیامبر ﷺ با آنان برای آموزش احکام اسلام، انعقاد قراردادهای دوجانبه در زمینه جنگ و صلح می‌پرداختند و اهتمام رسول خدا ﷺ بیان و تعلیم اصول اعتقادی، آموزش قرآن و احکام دین، تعیین وظایف مالی، همراه فرستادن متن مکتوب و نامه و اعزام نماینده بوده است. با بررسی کتب تاریخ، سیره و مکاتیب مربوط به صدر اسلام، اهم مسائل رد و بدل شده و اقدامات انجام گرفته در دیدار وفود با پیامبر ﷺ قابل مطالعه است. از مهم‌ترین دستاوردها و نتایج مهم این سفرها در گسترش اسلام و نشر سیره و سنت نبوی، این موارد در خور اشاره است: آموزش توحید و تأکید بر هدم مظاهر شرک، زمینه‌سازی گسترش قلمرو اسلام، آموزش قرآن و نشر تعالیم آن، آموزش نماز و نشر فرهنگ آن، تبیین احکام مالی اسلام به‌ویژه زکات. به نظر می‌رسد آشنایی با روش‌ها و محتوای برنامه‌های نبوی برای هیئت‌های اعزامی متقابل در عصر ایشان، می‌تواند به موفقیت بیشتر در این زمینه در عصر حاضر منجر گردد.

کلیدواژه‌ها: سنت، حدیث، وفد، صدر اسلام، تعالیم نبوی.

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / L.moraveji@kashanu.ac.ir

۱. طرح مسئله

سنت رسول اکرم ﷺ به عنوان یکی از منابع مهم فقه اسلامی و مصدر تفسیر قرآن کریم، مورد توجه و اهتمام علمای اسلام شناس و اسوه و سرمشق همه مسلمانان است. سخنان، افعال و تقریر و امضاهای نبی گرامی ﷺ، که در مجموع سنت نامیده می شود و کلام حاکی از آن را حدیث می خوانند، تحت تأثیر عوامل مختلفی در جامعه صدر اسلام ترویج و نشر یافته و به دوران های بعد انتقال پیدا کرده است.

از میان این عوامل باید به تأکیدات و آموزش های خود رسول خاتم ﷺ اشاره کرد که در مراحل مختلف و فرصت های مناسب به بیان احکام و معارف دین مبین اسلام و نیز تفسیر و تبیین آیات قرآن مجید می پرداخت. به این مطلب در خود قرآن اشاره شده و مورد تأیید قرار گرفته است: «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴)؛ همراه با دلایل روشن و کتاب ها، و بر تو نیز قرآن را نازل کردیم تا آنچه را برای مردم نازل شده است برایشان بیان کنی و باشد که بیندیشند.

در کنار این آموزش ها، امر دیگری که موجب نشر و گسترش سیره و حدیث نبوی در میان قبایل و اقوام گوناگون در سرتاسر شبه جزیره عرب و حتی فراسوی مرزهای آن شد، ورود گروه هایی از تازه مسلمین یا جویندگان حقیقت به نزد رسول اکرم ﷺ بود. در این مراجعات، مسائل مختلف اسلام، احکام، آیات قرآن، پرسش های مردم و... طرح و پاسخ آن بیان می شد، و سپس خود این افراد، آن ها را در قبیله و قومشان آموزش می دادند و منتشر می کردند.

در تاریخ صدر اسلام این افراد و گروه های واردشونده به محضر پیامبر اکرم ﷺ به «وفود» نامبردار گشته اند، که در این نوشتار نقش آنان در انتشار حدیث و سنت نبوی مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. در تبیین هدف این پژوهش باید گفت با توجه به ضرورت تداوم آموزش سنت رسول اکرم ﷺ در عصر حاضر و همچنین گسترش ابزارها و رسانه های قابل استفاده در این مسیر، به نظر می رسد آشنایی با روش ها و محتوای برنامه های نبوی برای هیئت های اعزامی متقابل در عصر ایشان، می تواند به موفقیت بیشتر در این زمینه در عصر حاضر منجر گردد.

به نظر نگارنده آنچه به مسئله نقش وفود در انتشار سیره نبوی مرتبط است، دو مورد اخیر است؛ لذا تمرکز بحث بر تحلیل این دو مسئله قرار گرفته و به معرفی برخی دستاوردهای وفدها پرداخته شده است. همچنین به دو شیوه ارتباطی قبایل و رسول خدا ﷺ، یعنی ورود وفود به محضر پیامبر ﷺ و اعزام نماینده از جانب پیامبر ﷺ توجه شده است.

۱-۱. پیشینه بحث

در پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون در زمینه وفود و گروه‌های ارسالی نزد پیامبر ﷺ، این مبحث از چند جهت مورد بررسی قرار گرفته است: اسامی وفود مهم و سران آن‌ها، ساختار وفود (سرپرست، اعضای گروه، تعداد، جنسیت، سن)، گستره زمانی (قبل یا بعد از هجرت)، گستره مکانی و جغرافیایی (تنوع شهرها و قبایل)، اهم مسائل و مطالب ردوبدل شده (پرسش‌ها و آموزش‌ها)، تجهیز وفود توسط پیامبر اکرم ﷺ (نامه، جواب پرسش‌ها، پیام، معلم، مَقْرَی).

چهار مورد نخست بیشتر در حوزه مباحث تاریخی است و در کتب تاریخ و سیره به تفصیل و با جزئیات لازم ذکر شده است.

با بررسی کتب تاریخ، سیره و مکاتیب مربوط به صدر اسلام، اهم مسائل ردوبدل شده و اقدامات انجام گرفته در دیدار وفود با پیامبر ﷺ، به طور کلی و با اندک تفاوت‌هایی، بدین صورت بوده است:

الف. از سوی وفود:

۱. اعلام مسلمان شدن و پذیرش رسالت حضرت محمد ﷺ؛
۲. درخواست نماینده از جانب پیامبر برای آموزش اسلام؛
۳. انعقاد قراردادهای دوجانبه در زمینه جنگ و صلح‌های احتمالی آتی؛

ب. از سوی رسول خدا ﷺ:

۱. بیان و تعلیم اصول اعتقادی؛
۲. آموزش قرآن؛

۳. آموزش احکام دین؛

۴. تعیین وظایف مالی؛

۵. اعزام نماینده؛

۶. دادن نامه با محتوای اعلام امان داشتن آن قبیله، اعلام آگاهی پیامبر ﷺ از اسلام آنان، تشویق به فرمانبرداری از خدا و تمسک به دین الهی، سفارش به فرستادگان برای رفتار نیک در میان قوم.

به عبارت دیگر احادیث و سخنان پیامبر خدا ﷺ که مشتمل بر تعالیم دینی، آموزه‌های اعتقادی، احکام دین، مسائل مالی و اجتماعی می‌شد، در قالب ارتباطاتی که پیامبر ﷺ از طریق وفود برقرار می‌کرد، گسترش می‌یافت. این مسئله در این مقاله بررسی شده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. معنای لغوی و اصطلاحی

واژه «وفد» در ریشه، معنای ارسال و وارد شدن به محضر بزرگ یا امیری را با خود دارد. به گفته اصمعی «وَفَدَ فُلَانٌ» زمانی به کار می‌رود که فرد به سوی پادشاه یا امیری برود (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۴۶۴) و این رفتن به عنوان رسول و فرستاده بوده (رازی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۷۳) با درخواست برآورده شدن حوائجی همراه باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۷۷)

ابن سیده نیز معنای وارد شدن (قدم) را ذکر کرده و حروف «علی» و «الی» را برای آن بر شمرده است. (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۴۶۴) به چنین کسی «وافد» گفته می‌شود که جمع آن وفد است؛ مانند صاحب و صحب (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۱۶۲) و «وفود» و «اوفاد» که جمع وفد است.

خلیل بن احمد نیز مفرد وفد را وافد ذکر می‌کند. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۸۰) اما صاحب لسان العرب وفد را اسم جمع و بنا بر قولی، جمع می‌داند و معتقد است وفود جمع وافد است. (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۴۶۴)

صاحب‌التحقیق اصل را در مادهٔ وفد، عبارت از قدوم و ورود می‌داند و مفاهیم اشراف، اسراع، طلوع و استباق را از خواص و لوازم این اصل برمی‌شمرد. دربارهٔ کلمهٔ وفد نیز معتقد است که در اصل مصدر بوده، استعمال آن در مورد گروه واردشونده به مناسبت مطلق مفهوم قدوم و ورود می‌باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۳ و ۱۴، ص ۱۵۳)

از این ریشه کلمهٔ «موقّد» به‌عنوان اسم در ادبیات سیاسی امروزی به هیئت اعزامی و نمایندگی اطلاق می‌شود. (میرزایی، ۱۳۷۷ش، ص ۵۸۴)

در مجموع می‌توان به‌طور خلاصه وفد را به «گروهی که به‌عنوان فرستاده نزد بزرگ یا امیری وارد می‌شود»، تعریف کرد.

۲-۲. کاربرد قرآنی مفهوم وفد

کلمهٔ وفد در قرآن فقط یک بار در آیهٔ ۸۵ سورهٔ مریم آمده: «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا»؛ روزی که پرهیزکاران را نزد خدای رحمان سواره گرد آوریم. علامه طبرسی ذیل این آیه می‌نویسد: «بنا به نظر أخفش، وفد در اینجا به معنای وفود (جمع) و جماعت‌هاست، و طبق قولی از امیرالمؤمنین علیه السلام و ابن عباس، وفداً یعنی سوار بر ناقه‌هایی که نظیر آن را کسی ندیده و بر پشت آن‌ها رحالی از طلا، و افسار آن‌ها از زبرجد است و متقین سوار بر آن‌ها به سوی درهای بهشت می‌روند.» (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۸۱۹ و ۸۲۰)

در قرآن کریم به‌صورت دیگری نیز به این مسئله اشاره شده، آن‌هم در آیهٔ ۱۲۲ سورهٔ توبه که به «آیهٔ نفر» مشهور است: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛ و نتوانند مؤمنان که همگی به سفر روند. چرا از هر گروهی دسته‌ای به سفر نروند تا دانش دین خویش را بیاموزند و چون بازگشتند مردم خود را هشدار دهند، باشد که از زشتکاری حذر کنند؟

طبرسی «فَلَوْ لَا نَفَرَ» را به معنی «هلاً نفر» دانسته که وقتی بر سر فعل بیاید برای تحضیض است. (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۲۵) می‌بینیم که در خود آیه نسبت به کوچیدن و حرکت برای فراگیری احکام و فقیه شدن در دین، و سپس بازگشت به

میان هم‌وطنان و نشر آن آموزه‌ها ترغیب شده است.

در تفسیر المیزان ذیل آیه آمده است: «معنای آیه این است که برای مؤمنین شهرهای غیر مدینه جایز نیست که همگی به جهاد بروند، چرا از هر شهری یک عده به سوی مدینه الرسول کوچ نمی‌کنند تا در آنجا احکام دین را یاد گرفته و عمل کنند، و در مراجعت هم‌وطنان خود را با نشر معارف دین انذار نموده، آثار مخالفت با اصول و فروع دین را به ایشان گوشزد کنند تا شاید بترسند و به تقوا بگرایند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۴۰۴)

این ترغیب می‌تواند در همه اعصار و امصار جاری و ساری باشد؛ لیکن نمی‌توان اولویت آن در زمان نزول را نادیده گرفت. بنابراین در درجه اول می‌تواند ترغیب نسبت به تشریف به محضر رسول اکرم ﷺ و آموختن احکام و مسائل اسلامی از ایشان باشد.

همچنین در سوره نصر اشاره دارد که مردم گروه‌گروه وارد دین (اسلام) می‌شوند: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (نصر: ۱ و ۲)؛ چون یاری خدا و پیروزی فراز آید، و مردم را ببینی که فوج فوج به دین خدا درمی‌آیند... این تازه مسلمانان که به گروه‌ها (افواج) وصف شده‌اند، ناگزیر در راستای فراگیری احکام و مسائل دینی خود به پرسش و جست‌وجوی سنت و حدیث نبوی نیز پرداخته‌اند.

۳-۳. تاریخچه

ورود وفدها به نزد رسول اکرم ﷺ غالباً در سال‌های نزدیک به آخر عمر پیامبر ﷺ و بعد از فتح مکه بوده است. ابن اسحاق ذیل عنوان سال نهم و نام‌گذاری آن به «سنة الوفود» و نزول سوره فتح، می‌نویسد بعد از فتح مکه و فراغ از جنگ تبوک و اسلام آوردن ثقیف و بیعت آن‌ها با پیامبر ﷺ، وفود عرب از تمام نواحی به سوی پیامبر ﷺ آمدند. (ابن هشام، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۲۴۸) ابن هشام نیز به نقل از ابو عبیده این حوادث را مربوط به سال نهم دانسته و ذکر کرده که این سال، سال وفدها خوانده می‌شود. (همان‌جا)

هم‌زمان با توسعه قلمرو حکومتی اسلام و گرایش گروه‌های مختلف عرب به

اسلام، تازه مسلمانان در صدد یادگیری و پرسش اصول و احکام برآمدند. قبایل و طوایف مختلف جزیره العرب با شنیدن اخبار فتح مکه از زبان حجاج و تجار خود، که بعضاً مسلمان شده بودند، بزرگان خود را برای دیدار مستقیم با پیامبر ﷺ و فراگیری تعالیم جدید به سوی ایشان گسیل داشتند. (همان، ج ۴، ص ۹۸۵) به طوری که می‌توان گفت هیچ قبیله‌ای از عرب باقی نماند، مگر آنکه وفدی را به محضر رسول الله ﷺ فرستاد. (ابوزهو، بی تا، ص ۵۹)

البته اگر بخواهیم به عقب‌تر برگردیم، باید نخستین مورد را گروه شش نفری از مردم یثرب بدانیم که در موسم حج سال دهم در مکه حضور یافتند و با پیامبر ﷺ ملاقات کردند. سال بعد با پیوستن شش یثربی دیگر به جمع فوق، پیمان نخست عقبه با پیامبر ﷺ منعقد شد. (ابن هشام، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۸۱)

نتیجه مهم این پیمان، مأموریت تبلیغی مصعب بن عمیر از سوی پیامبر اسلام ﷺ برای یثرب بود. فرستادن مصعب به یثرب، عطفی در تاریخ انتشار اسلام بود. پیامبر ﷺ هنگام اعزام وی به یثرب آگاهی‌های لازم را از این شهر در اختیار مصعب قرار داد و او را به اقرار قرآن، تعلیم اسلام و فقیه ساختن آنان در دین امر کرد. (همان، ص ۲۸۱ و ۲۸۲)

در واقع بعد از فتح مکه و نمایش قدرت عظیم اسلام، مسلمین و رسول خدا ﷺ، وفود از همه‌جای سرزمین عربستان - و گاه دورتر - برای بیعت با پیامبر اکرم ﷺ و قرار گرفتن زیر پرچم اسلام به نزد او می‌آمدند و ورود این وفود به‌ویژه بعد از حجة الوداع رو به فزونی گذاشت. (عجاج خطیب، ۱۳۹۱ق، ص ۷۳)

در سال نهم و احیاناً پیش یا پس از آن، هیئت‌های نمایندگی قبایل مختلف به حضور پیامبر ﷺ شرفیاب می‌شدند و اسلام و انقیاد خود را به عرض رسانده، مورد عنایت، لطف و محبت شخص ایشان قرار می‌گرفتند. (آیتی، ۱۳۵۹ش، ص ۶۰۹)

رسول خدا ﷺ محلی را در مسجد به این امر اختصاص داده بود و همیشه در آنجا این هیئت‌ها را به حضور می‌پذیرفت. محل این ملاقات‌ها در کنار ستونی از ستون‌های

مسجد بود که بعدها به نام «اسطوانة الوفود» معروف شد و اکنون نیز همین نام را دارد. (جعفریان، ۱۳۸۱ش، ص ۲۲۶)

۳. دستاوردهای اعزام هیئت‌ها

رفت و آمد وفود قبایل به نزد پیامبر مکرم اسلام ﷺ از یک سو، و ارسال نمایندگان و مأموران از طرف رسول الله ﷺ از سوی دیگر، نتایج مهم و فواید ارزشمندی در زمینه گسترش اسلام و نشر سیره و سنت نبوی داشت. در ادامه به بررسی اهم این دستاوردها پرداخته شده است.

۳-۱. آموزش توحید و تأکید بر هدم مظاهر شرک

مسائل اعتقادی، به ویژه توحید، در رأس همه گفت و گوهای پیامبر اسلام ﷺ با «وفود» قرار داشت. پیامبر اسلام ﷺ در تمام توافق‌نامه‌های خود با هیئت‌های سیاسی، توحید را مورد تأکید قرار داده‌اند.

«از بررسی متن نوشته‌های گونه‌گون پیامبر ﷺ این نتیجه به دست می‌آید که بر روی هم در همه این نوشته‌ها در مورد چهار موضوع بنیادین زیر گفت و گو شده است:

۱. خداوند یگانه و پیامبر او محمد ﷺ، آیین اسلام و احکام آن؛

۲. اخلاق اسلامی؛

۳. مسائل مالی و اقتصادی؛

۴. سیاست اداره جامعه اسلامی و برخورد با گروه‌های دیگر.» (حمیدالله، ۱۳۷۷ش،

ص ۴۸، مقدمه مترجم)

اهمیت توحید و تأکید پیامبر ﷺ بر تبیین این اهمیت، به حدی بود که هیچ تخفیف یا مسامحه‌ای را نمی‌پذیرفت. برای نمونه، قبیلۀ ثقیف که یکی از شروط اسلام خود را «ویران نکردن بتکده لات تا سه سال» ابراز کردند، با مخالفت شدید پیغمبر اسلام ﷺ روبه‌رو شدند. لذا سه سال را به یک ماه تنزل دادند، باز هم مورد قبول قرار نگرفت. از این رو تقاضا کردند که خود آن‌ها را از شکستن بت‌ها و ویران کردن بتخانه معاف بدارد و این کار را به دیگری محول سازد، که البته این تقاضا مورد موافقت رسول

خدا ﷺ قرار گرفت و چنان‌که گفته‌اند آن حضرت ﷺ ابوسفیان و مغیره بن شعبه را مأمور این کار کرد و آن‌ها به دستور آن حضرت به طائف رفته و بتکده لات را ویران کردند. (رسولی محلاتی، ۱۳۵۶ش، ص ۶۱۸)

در شعبان سال دهم ده نفر از مردم خولان (قبیله‌ای در یمن) نزد رسول خدا ﷺ آمدند و گفتند: ما به خداوند ایمان آورده و فرستاده او را هم تصدیق می‌کنیم، رسول خدا ﷺ به آنان وعده ثواب داد و سپس از وضع «عم انس» (بت آن‌ها) جويا شد، گفتند: اگر برگردیم او را در هم می‌شکنیم، چون ما از ناحیه او گول خورده و در فتنه افتاده‌ایم. مردم وفد در مدینه، قرآن و سنت آموختند و وقتی بازگشتند، بت را در هم شکستند و به حلال و حرام خدا گردن نهادند. (ابن سعد، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۴)

۲-۳. زمینه‌سازی گسترش قلمرو اسلام

تلاش نمایندگان پیامبر ﷺ، نقش مهمی در فراهم ساختن زمینه ورود و پذیرش اسلام در سرزمین‌های مقصد داشت؛ به عبارت دیگر علاوه بر تأمین خواسته وفود و تغذیه فکری مسلمانان آن منطقه، غیرمسلمین نیز با این دین آشنا می‌شدند و به اسلام می‌گرویدند. در این زمینه نقش مصعب در مدینه قابل ذکر است؛ «موفقیت مصعب در ترویج و گسترش قرآن و دین در میان مردم یثرب به حدی بود که همه مردان و زنان شهر مسلمان شدند، مگر گروهی اندک از قبیله اوس. مأموریت یک‌ساله مصعب در یثرب و تلاش‌های قرآنی او در این مدت کوتاه مسیر تاریخ را عوض کرد و زمینه را برای هجرت پیغمبر اکرم ﷺ و مسلمانان فراهم ساخت. چنان‌که سال بعد مسلمانان یثرب از پیغمبر ﷺ دعوت کردند تا به شهر آنان بیاید، و چنین بود که یثرب پایتخت اسلام شد.» (سپهری، ۱۳۸۴ش، ص ۱۲)

۳-۳. آموزش قرآن و نشر تعالیم آن

یکی دیگر از دستاوردهای اعزام وفود به مناطق و بوم‌های مختلف اسلامی، آموزش قرآن به مسلمانان بود. رسول خدا ﷺ علاوه بر اهتمام به جمع و تدوین قرآن، عنایت ویژه‌ای به تعلیم آیات الهی به مسلمانان و بلکه تبلیغ قرآن در میان مخاطبان غیرمسلمان

داشت. از این روی افزون بر گروهی از صحابه که به قاریان و معلمان قرآن شهرت داشتند و در مدینه به آموزش قرآن به نومسلمانان می پرداختند، گروهی نیز مأمور به آموزش و تبلیغ در سرزمین‌های دیگر شده تا محیط را برای ترویج و گسترش تعالیم و احکام خداوند مهیا سازند. (همان جا)

پیامبر ﷺ در هنگام مراجعت وفود به میان قومشان، گاه پاره‌ای از مصحف را به آنان می داد، و گاهی قاری و مقری مناسبی را به همراهشان گسیل می داشت. از جمله مصعب به عنوان معلم قرآن وارد یثرب شد و «مقری مدینه» نام گرفت (فضلی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۶) و با توجه به پیوند جدایی ناپذیر سنت نبوی و قرآن الهی، می توان این اعزام را سرآغاز نشر سیره در میان یثربیان نیز قلمداد نمود.

در سال سوم هجری پس از غزوه احد گروهی از قبیله «عضل» و «قاره» نزد پیامبر ﷺ آمدند و به ایشان عرضه داشتند: «إِنَّ بَارِضَنَا إِسْلَامًا، فَبِعِثْ مَعَنَا نَفْرًا مِنْ أَصْحَابِكَ يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ وَيَفْقَهُونَا فِي الْإِسْلَامَةِ» پیامبر ﷺ نیز در پاسخ به خواسته ایشان گروهی شش نفره را به ریاست «مرثد بن ابی مرثد» برای تعلیم معارف الهی با ایشان با آنها همراه ساخت. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۱۵۱، ح ۲)

ثمره این آمدوشدها، تنها به خود وفود نمی رسید، بلکه گاه مردم مناطق مسیر نیز بهره مند می شدند؛ از جمله عمرو بن سلمه جرمی می گوید: «در سنین کودکی، در منطقه‌ای زندگی می کردیم که به علت داشتن آب، محل عبور و مرور کاروانیان بود - و در واقع وفود در راه رفت و برگشت از نزد پیامبر ﷺ در آنجا به استراحت و نقل وقایع و آموزه‌ها می پرداختند - من هرآنچه از قرآن از زبان آنان می شنیدم، حفظ می شدم به گونه‌ای که احساس می کردم آیات قرآن در درون سینه‌ام (قلبم) حک می شود. به مرور زمان بسیاری از آیات و سوره‌های قرآن را بدین سان فراگرفتم و آنها را در سینه خود جمع کردم. تا اینکه بعد از فتح مکه، گروهی از قبیله ما نزد رسول خدا ﷺ رفتند، و در آنجا قرآن و نماز و اذان و مانند آن را فراگرفتند. پس از برگشت و هنگام اقامه نماز، مرا که از همه آنان قرآن خوان تر و قرآن دان تر بودم، به امامت جماعت برگزیدند، چراکه

پیامبر اکرم ﷺ به آنان فرموده بود: «لِيُؤْمَكُم أَكْثَرُكُمْ قِرَاءًا»؛ امامت جماعت را کسی بر عهده گیرد که از همه شما قرآن‌خوان‌تر و قرآن‌دان‌تر است. (ابن سعد، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۶ و ۳۳۷)

۳-۴. آموزش نماز و نشر فرهنگ آن

پیامبر گرامی ﷺ اصول نماز را به‌طور ساده به وفود می‌آموخت و می‌فرمود: «فَلْيُؤْذَنَ أَحَدُكُمْ (اذان) و لِيُؤْمَ اقْرئكم»؛ یکی از شما اذان بگوید و داناترینان به قرآن، به امامت نماز بایستند. (ابی داود، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۹ و ۱۶۰)

اهمیت نماز از همان آغاز مورد تأکید رسول الله ﷺ بود و هیچ معافیتی را نمی‌پذیرفت. نمایندگان ثقیف، یکی از شروط خود در پذیرش اسلام خود را معاف بودن از خواندن نماز اعلام کردند! در رد پیشنهاد و تقاضای آن‌ها رسول خدا ﷺ آن جمله مهم و تاریخی را بیان فرمود که گفت: «لا خیر فی دین لا صلاة فیہ.» (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۷۱)

برپایی جماعت نیز همواره مورد تأکید رسول اکرم ﷺ بود و در این زمینه راهنمایی می‌فرمود. ابن اسحاق به نقل از عاصم بن عمر بن قتاده می‌نویسد: مصعب امام جماعت یثرب نیز بود. (ابن هشام، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۸۱)

وقتی نمایندگان ثقیف اسلام را با تمام اصول و فروعش پذیرفته به شهر خود بازگشتند، در میان آن‌ها مردی بود به نام عثمان بن ابی‌العاص که از همه جوان‌تر بود ولی به‌خاطر آنکه در مدت توقف در مدینه از آن پنج نفر دیگر بیشتر به اسلام علاقه‌مند شده بود و در یاد گرفتن قرآن و تعلیمات مقدس اسلام کوشش بیشتری داشت، رسول خدا ﷺ او را امیر بر دیگران کرد و سمت نمایندگی خود را از نظر مذهبی و اجتماعی به او واگذار نمود و هنگامی که می‌خواستند از مدینه حرکت کنند سفارش‌هایی به او کرد و از آن جمله درباره نماز جماعت و رعایت حال مأمومین ناتوان این‌گونه فرمود: «یا عثمان تجاوز فی الصلاة، و اقدر الناس بأضعفهم فان فیهم الکبیر و الصغیر و الضعیف و ذا الحاجة»؛ ای عثمان در نماز زود بگذر، و حال ناتوان‌ترین مردم را در نظر بگیر، زیرا در میان آن‌ها بزرگ و کوچک و ناتوان و گرفتار وجود دارد (که نمی‌توانند زیاد صبر کنند). (ابن کثیر، ۲۰۰۶م، ج ۲، ص ۵۳۷-۵۴۳) در منابع دیگر نیز همین

مضمون از پیامبر خدا ﷺ نقل شده است: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ أُمَّ النَّاسَ فَلْيَخَفْ فَإِنَّ فِيهِمُ الْكَبِيرَ وَالصَّغِيرَ وَالْمَرِيضَ»؛ هر کس امامت گروهی را به عهده گیرد، از طولانی کردن نماز پرهیزد، چراکه در میان آن‌ها پیر و کودک و بیمار وجود دارد. (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۱)

می‌بینیم که رسول رحمت ﷺ از همان آغاز به نکات جزئی اما مهمی که می‌توانست در نشر اسلام و به‌ویژه نماز مؤثر باشد، توجه داشت.

به‌طور خلاصه آموخته‌های وفود در زمینه نماز عبارت است:

الف. تأکید بر اقامه نماز؛

ب. لزوم جماعت؛

ج. واگذاری امامت به قرآن‌دان‌ترین؛

د. توجه به اضعف مأمومین؛

نمونه حدیث پیش از این ذکر شد.

۵-۳. تبیین احکام مالی اسلام به‌ویژه زکات

در نامه‌های پیامبر ﷺ به هیئت‌های اعزامی، «احکام مسائل اقتصادی که احکام زکات، غنیمت‌های جنگی و گزیت (جزیه) عمده‌ترین آن‌ها بود، با شرح و بیان بیشتری آمده و متن نامه‌های بلند را پر کرده است. برای نمونه در فرمان ش ۱۰۵ برای عمرو بن حزم، کارگزار پیامبر ﷺ در یمن، در حدود یک‌سوم متن نامه به امور اقتصادی مربوط می‌گردد. در فرمانی که برای حارث بن عبد گلال و دیگران نوشته شده (ش ۱۰۹)، بیشترین بخش درباره شیوه ستاندن انواع زکات و گزیت است.» (حمیدالله، ۱۳۷۷ش، ص ۴۷، مقدمه مترجم)

تعهدات مالی وفود، شامل زکات برای مسلمانان و جزیه برای غیرمسلمانان بود. در فرمان شماره ۱۰۵ برای عمرو بن حزم کارگزار پیامبر ﷺ در یمن، چنین می‌خوانیم: «آنچه درباره زکات بر مؤمنان واجب گشته چنین است: زکات کشتزاری که از آب چشمه یا باران آبیاری گردد، یک‌دهم فراورده و زکات زمینی که با دلو آبیاری شده

باشد، نصف یک‌دهم است. زکات هر ده شتر...»

و پس از بیان مقدار زکات در هریک از متعلقات آن، به تبیین جزیه پرداخته است: «هرکس از یهود و ترسایان که با دلی پاک به اسلام روی آورد و آن را آیین خویش داند، بی‌گمان در زمره مؤمنان بوده در سود و زیان با ایشان یکسان خواهد بود. هرکس که بر آیین ترسایی یا یهودی خویش استوار ماند، کسی وی را از آن باز نخواهد داشت. [در این صورت] هر فرد بالغ - چه مرد چه زن، چه آزاد و چه برده - باید یک دینار کامل یا برابر (ارزش) آن، جامه بدهد. بنابراین هرکس این (سرگزیت) را بپردازد، در پناه خدا و پیامبرش خواهد بود، ولی کسی که از پرداخت آن سر باز زند، بی‌شک در شمار دشمنان خدا و فرستاده او و همه مؤمنان خواهد بود.» (همان، ص ۲۵۸ و ۲۵۹)

با توجه به فرمان فوق نتایج مهم زیر به دست می‌آید:

نخست آنکه مسلمین با پرداخت زکات در تأمین بودجه حکومت و اداره جامعه شرکت می‌جویند و دستاوردهای تشریح حکیمانانه زکات تحقق می‌یابد.

دوم در مورد اهل کتاب: اولاً درباره آن‌ها اعلام موضع شده و در جامعه اسلامی نادیده گرفته نشده و شأن اجتماعی آن‌ها به‌عنوان ساکنان جامعه لحاظ شده است؛ ثانیاً به ایمان آوردن فوری الزام نشده‌اند، بلکه با پرداخت جزیه فرصتی یافته‌اند که درباره اسلام بیشتر بیندیشند یا تحقیق کنند و این نکته خود می‌تواند از عوامل نشر اسلام و گسترش سیره رحیمانه رسول خدا ﷺ در قبال غیرمسلمین قلمداد شود.

در نوشته‌های دیگر پیامبر خدا ﷺ نیز اهمیت مسائل مالی سخت چشمگیر است و نشان‌دهنده این واقعیت است که نقش امور مالی و امکانات مادی، در نیرو گرفتن پایه‌های حکومت اسلامی نقشی سازنده بوده است. (همان، ص ۴۸)

نکته دیگر در زمینه مسائل مالی، تمهیداتی است که پیامبر گرامی ﷺ برای جذب قلوب به اسلام و نشر آن می‌اندیشید، از جمله بخشودگی‌ها و کمک‌هایی در خصوص بدهی‌های سابق افراد یا قبایل. برای مثال جارود بن عمرو با چند تن به‌عنوان نمایندگان عبدالقیس به مدینه آمدند و چون رسول خدا ﷺ اسلام را بر ایشان عرضه کرد، جارود

گفت: اگر من مسلمان شوم قرض مرا ادا می‌کنی؟ فرمود: آری. و بدین ترتیب مسلمان شد و به نزد قوم خود بازگشت و بعدها از مسلمانان خوش عقیده و ثابت قدم گردید و در برابر کسانی از قوم خود که مرتد شدند، استقامت و پایداری زیادی کرد. (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۷۲)

نمونه دیگر باز در مورد ثقیف است. در نامه مربوط به آن‌ها چند امتیاز از جمله مالکیت زمین‌های وج (همان دره طائف) و حتی امکان منع ورود غیر لحاظ شده است. دیگر امتیازات آن‌ها بدین صورت دیده می‌شود:

«ایشان را برای پرداخت زکات نزد مأمور گردآوری زکات نخواهند برد... هرگونه بدهی نوشته شده‌ای که هنگام پذیرفتن اسلام بر عهده داشته‌اند، از آن ایشان است [مترجم: یعنی پرداخت آن لازم نیست]. ... هراندازه بدهی که بر گردن مردم ثقیف باشد، ربا به آن تعلق نخواهد گرفت. اگر بتوانند آن را می‌پردازند و چنانچه امکان پرداخت فراهم نیاید، در جمادی نخستین سال آینده خواهند پرداخت.» (حمیدالله، ۱۳۷۷ش، ص ۳۴۲ و ۳۴۳)

البته آن حضرت سختگیری‌های هوشمندانه‌ای نیز اعمال می‌فرمود؛ از جمله در مورد رباخواری ثقیف، نامه جداگانه‌ای برای فرماندار مکه نوشت که البته متن نامه به دست نیامده، اما گزارش آن رسیده است. در پی این ماجرا، آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ بقره در مورد ربا نازل شد. (قمی، ۱۳۶۳ق، ج ۱، ص ۹۳)

۴. نتیجه‌گیری

در جریان دو شیوه ارتباطی متقابل قبایل و رسول خدا ﷺ، یعنی ورود وفود به محضر پیامبر ﷺ و اعزام نماینده از جانب پیامبر ﷺ، وفود به اعلام پذیرش رسالت حضرت محمد ﷺ، درخواست همراهی نماینده پیامبر با آنان برای آموزش احکام اسلام، انعقاد قراردادهای دوجانبه در زمینه جنگ و صلح می‌پرداختند و اهتمام رسول خدا ﷺ، بیان و تعلیم اصول اعتقادی، آموزش قرآن و احکام دین، تعیین وظایف مالی، همراه فرستادن متن مکتوب و نامه و اعزام نماینده بوده است. از مهم‌ترین دستاوردها و نتایج مهم این

سفرها در گسترش اسلام و نشر سیره و سنت نبوی، موارد زیر درخور اشاره است: آموزش توحید و تأکید بر هدم مظاهر شرک، زمینه‌سازی گسترش قلمرو اسلام، آموزش قرآن و نشر تعالیم آن، آموزش نماز و نشر فرهنگ آن، تبیین احکام مالی اسلام به‌ویژه زکات.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش، ۱۳۷۴ ش.
۲. آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹ ش.
۳. ابوزهو، محمد محمد، الحدیث و المحادثون او عناية الامة الاسلامية بالسنة النبوية، بی‌جا: المكتبة التوفيقية، بی‌تا.
۴. ابی‌داود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی‌داود، بیروت: دار احیاء التراث العربی [بی‌تا].
۵. ابن‌سعد، ابو عبدالله محمد، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر، بی‌تا.
۶. ابن‌منظور، جمال‌الدین، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ ق.
۷. ابن‌هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، السیرة النبویة، با تحقیق طه عبدالرئوف سعد، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۱ ق.
۸. ابن‌کنیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، بیروت: دار نوبلیس، ۲۰۰۶ م.
۹. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول ﷺ، قم: دار الحدیث، ۱۴۱۹ ق.
۱۰. جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۱ ش.
۱۱. حمیدالله، محمد، نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد و اسناد صدر اسلام، ترجمه سید محمد حسینی، تهران: سروش، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. رازی، محمد بن ابی‌بکر، مختار الصحاح، تحقیق احمد شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق - بیروت: دار العلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. رسولی محلاتی، هاشم، زندگانی حضرت محمد ﷺ خاتم نبیین، بی‌جا: علمیه اسلامیة، ۱۳۵۶ ش.
۱۵. سپهری، محمد، «اموریت‌های قرآنی در عصر رسالت با تأکید بر نقد و بررسی حادثه رجیع»، فصلنامه پژوهش دینی، شماره ۱۰، ۱۳۸۴ ش.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.

□ ۲۴۰ دو فصلنامه علمی حدیث پژوهی، سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۶ق.
۱۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۱۹. عجاج خطیب، محمد، السنه قبل التدوین، قاهره: دار الفکر، ۱۳۹۱ق.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، بی‌جا: دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
۲۱. فضلی، عبدالهادی، مقدمه‌ای بر تاریخ قراءات قرآن کریم، تهران: اسوه، ۱۳۷۳ش.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتاب، ۱۳۶۳ق.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۲۵. میرزایی، نجفعلی، فرهنگ اصطلاحات معاصر، قم: انتشارات مهر، ۱۳۷۷ش.
۲۶. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.